

آمیولاتس

داستان آموزنده دانشجو و کپتان

پوریا عالمی

● دانشجویی سوار هواپیمای مسوولان شد. دانشجوی قصه ما که قصد نقد، هدایت و سرقت هواپیما را داشت، رفت در کابین خلبان و گفت: سلام. من آدمم هواپیما را نقد، هدایت و سرقت کنم. درضمن قصد دارم مسیر حرکت هواپیما را هم اصلاحات کنم. حالا شما برو خارج. برو خیلی خیلی دور، برو. برو مثلاً آمریکا. خلبان گفت: کپتان پرزیدنت صحبت می‌کنه. عزیزم شما حق داری هواپیما را نقد و هدایت و سرقت کنی. اما آمریکا خیلی دوره، ولش کن. بعد هم بری آمریکا بری الای؟ همین؟ به‌نقد ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر بکن. دانشجو گفت: نه... حالا که آمریکا دوره، برو پس تا کانادا. کپتان گفت: نه‌بابا. کانادا که سرده الان. میری کانادا می‌جایی. حیفه دانشجو نیست بچاد؟ دانشجو گفت: ای‌بابا... پس بریم استرالیا. استرالیا که مشکل نداره؟ کپتان گفت: نه‌بابا. استرالیا؟ الان؟ نج‌نج... استرالیایی‌ها دموکرات نیستند‌ها. هرچه بگویی تکزذب می‌کنند. اسکیبی یادت نیست؟ هرچی بهش می‌گفتی می‌گفت نج‌نج... دانشجو نباید خودش را در وضعیتی قرار بدهد که تکزذب شود. دانشجو گفت: ای‌بابا. باشه. پس بریم فرانسه. کپتان گفت: من نمی‌خوام با اصلاحات و پیشنهاداتی که برای مسیر هواپیما در نظر داری مخالفت کنم. اما فرانسه خبری نیست‌ها. تهنه‌ش فرنج‌کیس می‌کنند. آیا دانشجوی ما کیس مهم‌تری برای تحقیق ندارد؟ دانشجو گفت: ای‌بابا. میشه بریم تا همین ترکیه؟ کپتان گفت: ترکیه؟ الان؟ نوی این فصل؟ واقعا سقف استاندارد دانشجوی ما رفتن به ترکیه‌س؟ گول تصویرهای آنتالیارو نخورید. دانشجو گفت: باشه. پس بریم دوبی؟ کپتان گفت: دوبی؟ یعنی شأن دانشجوی ما اینه که بره دوبی جنس بیاره؟ یادمان باشد دانشجوی می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد، جنس هم از دوبی نمی‌آورد. دانشجو گفت: پس بریم تا اصفهان؟ کپتان گفت: نه کلم. شما اگر می‌خواهی مسیر هواپیما را اصلاحات کنی، یک اصلاح اساسی کن. وگرنه تا اصفهان رفتن که اصلاح مسیر نیست. دانشجو گفت: ای‌بابا. پس اگه میشه بذار من به بوق بزنم برم بشینم سر جام. کپتان گفت: بله. من هم دیروز به مناسبت ۱۶آذر گفتم که «اگر دانشجو را نگذاشتند جایی انتقاد کند لاقل نسبت به دولت انتقاد کند.» بیا عزیزم بیا بوقت را بزن و به موز هم بردار، برو بشین سر جات.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه « ۱۷ آذر ۱۳۹۳ » ۱۵ صفر ۱۴۳۶ « ۸ دسامبر ۲۰۱۴ » سال دوازدهم « شماره ۲۱۸۲ » ۱۶صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۵۶ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۳۳ • طلوع آفتاب ۷:۰۲

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

فیروزه مظفری

firoozeh.mozaffari@gmail.com

وزیر بهداشت: پوست سیب به پارافین آغشته است
سیب را با پوست نخورید



گیسو ففغوری : شادی قدیریان یکی از نام‌های شناخته‌شده در عرصه عکس ایران است آثار او بارها بدون اجازه برای جلد کتاب‌ها یا حتی تبلیغ تورهای ایرانگردی استفاده شده است. این گفت‌وگو آغاز مطالبی است که می‌خواهیم درباره عدم رعایت کپی رایت منتشر کنیم.

❧ شما یکی از اولین کسانی بودید که درباره حق کپی‌رایت اقدام کردید. فکر کنم حدود سال ۸۰ بود که در دادگاهی علیه ناشری که عکسی از شما را روی جلد کتابی منتشر کرده بود، شکایت کردید و البته شکست خوردید.

بله، آن زمان انتشارات... کتابی با عنوان گوهر یکدانه چاپ کرده بود که داستان زندگی یک زن قاجاری بود و یکی از عکس‌های مجموعه قاجار من را روی جلد این کتاب چاپ کرده بود. آنها مدعی شدند که عکس را از اینترنت پیدا کرده‌اند و چون به توافق نرسیدیم، هر دو وکیل گرفتیم و به دادگاه رفتیم. آن‌روزها دادگاه خاصی به این موارد رسیدگی نمی‌کرد و قاضی هم تخصصی در این رشته نداشت و هیچ وقت یادم نمی‌رود؛ اولین چیزی که قاضی بعد از شنیدن ماجرا به من گفت این بود که باید خوشحال هم باشم که عکسم روی جلد کتاب چاپ شده! این‌که خیلی خوب است! البته صحنه دیگری هم از دادگاه یادم است؛ آلت جرم نفر قبل از ما یک قبه بود و آلت جرم ما یک کتاب! که همین هم باعث خنده و شوخی اهالی دادگاه شده بود! در نهایت

دیدن دوباره این فیلم می‌تواند محکی و مقایسه‌ای باشد بین شرایط آن روزگار جامعه و روزگار فعلی. فیلم «گاو» به این خاطر از عظمت بالایی برخوردار بوده که روایتگر این‌همانی‌شدن شخصیت اصلی است؛ هشدار ی است برای جامعه‌ای که تک‌بعدی به انسان‌هایش نگاه می‌کند و آنها را در نشیب‌سمخ‌شدن انظامی دعوت شده‌ام؛ چه اتفاق فرخنده‌ای، آن‌هم هم‌جوار با تولد مهرجویی که یکی از برجسته‌ترین سینماگران ایران است. فیلم «گاو» را در دوره دانشجویی دیده بودم و معتقدم که در زمانه خودش، یکی از تاثیرگذارترین ساخته‌های هنری بود، بنابراین

حسین باهر

جامعه شناس



کمرنگی نشانه‌های ارتباط هنرمند و جامعه

خیلی به سینما نرفته‌ام و فکر می‌کنم که بخشی از مردم جامعه ما نیز در این حس با من شریک هستند که علاوه‌بر تولیدات نه‌چندان قابل‌قبول سینمایی، تسلط پدیده‌های امروزی مثل رایانه، باعث افول ستاره سینما در آسمان جامعه شده است. در آن روزگار، فیلم گاو یکی از نمونه‌های برجسته همکاری ارزش‌آفرین میان یکی از بهترین نویسندگان ایرانی (غلامحسین ساعدی)، یکی از بهترین کارگردانان زمانه (داریوش مهرجویی) و تیمی از بهترین بازیگران سینمای ایران بود که از میان نام‌های بسیار، هنوز تصویر عزت‌الله انتظامی در نقش «مش‌حسن» را از یاد نمی‌برم.

فراخوان

روایت شادی قدیریان از عدم رعایت «کپی‌رایت» عکس‌ها

هم که این سوءاستفاده‌ها بوده متأسفانه، متأسفانه از طرف ایرانیانی بوده که در خارج از ایران زندگی می‌کنند؛ نمی‌خواهم بگویم همیشه کار با آنها این‌طور بوده ولی اقلاً برای من این اتفاق‌ها به این شکل بوده و البته مواردی هم بوده که همکاری درستی بین من و ایرانیان مقیم کشورهای دیگر بوده است. به‌رحال فکر می‌کنم به‌خاطر سال‌ها نبودن قانون کپی‌رایت در ایران، زمان زیادی احتیاج است که این‌خلاً جبران و تفکر ما عوض شود.

❧ فکر می‌کنید با توجه به پیشرفت امکان کپی‌کردن، امنیت آثار هنری چگونه می‌تواند در کشورمان تأمین شود؟

خوشبختانه من خودم دو وکیل خیلی خوب می‌شناسم که به‌طور تخصصی در این زمینه کار می‌کنند و پیشرفت‌های خیلی خوبی هم داشته‌اند و این بسیار امیدوارکننده است ولی مشکل اینجاست که وقتی سوءاستفاده از عکس عکاسان می‌شود، پیگیری و رسیدگی به این ماجرا باید شخصی صورت بگیرد و شاید در قدم اول که همان پرداخت هزینه برای داشتن وکیل و تشکیل پرونده است هم با مشکل همراه باشد. در اینجا شاید بهتر بود که تشکل یا انجمن خاصی این حمایت را از عکاسان می‌کرد که در این زمینه هم ضعف‌های زیادی داریم. با وجود انجمن‌های متعددی که در رابطه با عکاسی وجود دارد ولی شاهد هیچ حمایت اینچینی نبودیم. امیدوارم روزی عکاسان بتوانند از جانب گروهی حمایت شوند.

قاضی اجازه نداد که چاپ بعدی کتاب با آن عکس باشد و همین... ناشر هم متحمل هیچ ضرری نشد و من هم هزینه‌های وکیل را پرداخت کردم.

❧ بارها شده که از آثارتان روی تی‌شرت یا لباس یا آگهی تو رو... استفاده کنند. می‌توانید به نمونه‌های دیگری از عدم رعایت کپی‌رایت اشاره کنید؟

تعداد زیادی هم استفاده‌های اینچینی از عکس‌ها شده که یا به‌عنوان تابلو یا اطلاعاتی کاملاً اشتباه در کنارش چاپ شده که متأسفانه در مکان‌های فرهنگی هم جا گرفته است. مثل خانه تاریخی عباسیان در کاشان و چاپ روی تی‌شرت و پوسترهای مختلف...

❧ در این سال‌ها برای استفاده بدون اجازه از آثارتان اقدام دیگری هم انجام داده‌اید؟ فکر می‌کنید این‌بار بتوانید موفق شوید؟

به نظرم الان موقع مناسبی برای مطرح‌کردن بحث کپی‌رایت است و با استناد به قانون‌هایی که به‌تازگی طرح شده، می‌توان از حقوق عکس و عکاس دفاع کرد.

❧ شما نمایشگاه‌های زیادی در خارج از کشور داشته‌اید. در خارج از کشور هم این مساله برایتان اتفاق افتاده است؟ واکنشتان چه بود؟ در خارج از کشور واقعا به‌ندرت این اتفاق می‌افتد. کشورهای دیگر قوانین سختی دارند و همه این قوانین را رعایت می‌کنند. با وجود اینترنت همه به‌سادگی هنرمندان را پیدا می‌کنند و همیشه برای من قرارداد می‌فرستند و من را در جریان می‌گذارند. تنها مواردی

دستگاه خودروی بنز

به آقایان مسعود قزباف شوشتری از اهواز، یوسف باباپور و ایوب باغبان از تبریز تحویل گردید.



فقط با ضمانت سه ماهه
مرکز تماس: ۰۲۱-۸۲۵۵

